

## معناکاوی دو حرف اضافه $wæ$ و $læ$ در کردی گورانی: رویکردی شناختی

پارسا بامشادی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

خسرو غلامعلی‌زاده

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه رازی

شجاع تفکری رضایی

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه رازی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۲/۱۹

### چکیده

پژوهش پیش‌رو به بررسی معنایی دو حرف اضافه  $wæ$  و  $læ$  از گویش کردی گورانی می‌پردازد. رویکرد این پژوهش معناشناسی شناختی است و به‌طور ویژه الگوی چندمعنایی سامان‌مند (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) و معیارهایی که در این الگو برای شناسایی مفهوم اولیه (پیش‌نمونه) و مفاهیم مجزای حروف اضافه مکانی پیشنهاد شده است، به کار گرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم اولیه  $læ$  بیان «آغاز، مبدأ و منشأ» است و مفهوم اولیه  $wæ$  «گیرنده و مقصد» را بیان می‌کند. در شبکه معنایی  $læ$  سه خوشه معنایی (استعاری، شمول و سنجش) و شانزده مفهوم مجزا وجود دارد. شبکه معنایی  $wæ$  نیز دارای پنج مفهوم مجزا است و هیچ خوشه معنایی در آن دیده نمی‌شود. یافته‌ها همچنین گویای آنست که معیارهای مطرح‌شده در این الگو از کارایی بالایی در شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم مجزا و مفهوم اولیه حروف اضافه برخوردارند.

**واژه‌های کلیدی:** حروف اضافه مکانی؛ معناشناسی شناختی؛ چندمعنایی سامان‌مند؛ شبکه معنایی؛ کردی گورانی.

## ۱- مقدمه

معناشناسی شناختی نگاه ویژه‌ای به پرسمان چندمعنایی و به‌ویژه چندمعنایی حروف اضافه دارد. از دید معناشناسان شناختی، حروف اضافه نمونه‌های روشنی از پدیده چندمعنایی در هر زبانی هستند. اینان (برای نمونه تایلر و ایوانز، ۲۰۰۷: ۱۸۶) بر این باورند که حروف اضافه دارای یک معنای اولیه و کانونی هستند که با گذشت زمان و بر اثر کاربرد در بافت‌های گوناگون، دستخوش گسترش معنایی شده و معناهای مرتبط دیگری را می‌پذیرند. ارتباط میان معنای پیشین و معنای تازه این واژه‌ها انگیزه و طبیعی است. به این معنی که پیدایش معناهای جدید از معنای پیشین قابل پیش‌بینی نیست و در کاربردهای زبانی به‌صورت طبیعی و خودبه‌خود روی می‌دهد. از این رو، می‌توان پیوند میان معناهای گوناگون یک حرف اضافه را در قالب شبکه معنایی<sup>۱</sup> نشان داد. در شبکه معنایی، معنای اولیه حروف اضافه در کانون قرار می‌گیرد و دیگر معناها در گرداگرد معنای اولیه به آن پیوند می‌خورند و یک ساختار سامان‌یافته شعاعی را پدید می‌آورند. نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی در این زمینه مطرح شده که تازه‌ترین آنها، الگوی چندمعنایی سامان‌مند<sup>۲</sup> (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) است. در این الگو معیارهای کاربردی و روشنی برای بازشناسی مفهوم اولیه و مفهوم‌های مجزای حروف اضافه و سرانجام دستیابی به شبکه معنایی آنها پیشنهاد شده است.

از آنجا که تاکنون هیچ پژوهشی پیرامون بررسی معنایی حروف اضافه زبان کردی انجام نشده است، برآنیم که برای نخستین بار این کار را با رویکردی شناختی و بر پایه الگوی چندمعنایی سامان‌مند بر روی دو حروف اضافه *wæ* و *læ* در گویش گورانی انجام دهیم. گورانی یکی از گویش‌های شاخه کردی جنوبی (مک‌کنزی، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲) است که کانون اصلی آن در بخش گهواره و نیز دهستان‌های گوران و بیوه‌نیژ در شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه است. این گویش در شهرستان‌های سرپل ذهاب و کرمانشاه نیز دارای گویشور است. دیگر هدف این پژوهش سنجش کارایی معیارهای مطرح شده در الگوی چندمعنایی سامان‌مند به‌منظور شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم مجزای حروف اضافه و بازشناسی مفهوم اولیه از میان این مفهوم‌های مجزاست. از این رو،

<sup>۱</sup>. Semantic network

<sup>۲</sup>. Principled polysemy model

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: (۱) شبکه معنایی دو حرف اضافه *wæ* و *læ* در کردی گورانی در چهارچوب الگوی چندمعنایی سامان‌مند چگونه است؟ (۲) معیارهای مطرح‌شده در این الگو به‌منظور شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم مجزای حروف‌اضافه و بازشناسی مفهوم اولیه از میان این مفهوم‌های مجزا تا چه میزان در واکاوای چندمعنایی دو حرف اضافه *wæ* و *læ* کارایی دارد؟ این مقاله در پنج بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش دوم پیشینه پژوهش مرور می‌شود. در بخش سوم پایگاه نظری پژوهش معرفی می‌گردد. در بخش چهارم به معناکاوای دو حرف اضافه مکانی *wæ* و *læ* پرداخته می‌شود. بخش پنجم هم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲- پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارندگان آگاهی دارند تاکنون پژوهشی پیرامون بررسی معنایی حروف‌اضافه در زبان کردی انجام نگرفته است؛ اما حروف‌اضافه زبان فارسی از دید معناشناسی شناختی موضوع پژوهش‌هایی چند بوده‌اند که از آن میان می‌توان موارد زیر را برشمرد: گلفام و همکاران (۱۳۸۸) حرف اضافه «از» فارسی را در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی و آن را با رویکرد سنتی مقایسه کرده‌اند. سراجیان اردستانی (۱۳۸۹) چندمعنایی حرف اضافه «از» فارسی را در قالب نظریه معناشناسی شناختی بررسی کرده است. زاهدی و محمدی زیارتی (۱۳۹۰) شبکه معنایی «از» را در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی کرده‌اند. راسخ‌مهند و رنجبر ضرابی (۱۳۹۲) شبکه معنایی «در» و «سر» را از دیدگاه معناشناسی شناختی و برپایه داده‌هایی از فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) بررسی کرده‌اند. مختاری و رضایی (۱۳۹۲) شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی را از دید زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند. بامشادی و انصاریان (۱۳۹۳) چندمعنایی حرف «تا» در زبان فارسی را در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی کرده‌اند.

## ۳- پایگاه نظری پژوهش

در پی بررسی‌هایی که تاکنون بر روی چندمعنایی حروف‌اضافه انجام‌شده است، این باور پدید آمده که معناهای گوناگون این واژه‌ها همگی برخاسته از یک معنای اولیه و کانونی‌اند که به‌صورت بسیار سامان‌مند و منظمی دستخوش فرآیند گسترش معنایی

شده‌اند. دو مفهوم بسیار کلیدی در معناکاوی حروف اضافه، مفهوم‌های «پیکر<sup>۱</sup>» و «پهنه<sup>۲</sup>» هستند.

### ۳-۱- پیکر و پهنه

حروف اضافه عناصری زبانی هستند که برای نشان دادن و بیان موقعیت و جایگاه یک چیز نسبت به چیز دیگر به کار می‌روند. برای نمونه، هنگامی که می‌گوییم «لیوان روی میز است» یا «دفتر توی کیف است»، جایگاه «لیوان» را نسبت به «میز» و جایگاه «دفتر» را نسبت به «کیف» نشان داده‌ایم. یکی از این دو عنصر برجسته‌تر از دیگری و در کانون توجه قرار دارد. به سخن دیگر، یکی از آنها پیش‌زمینه است و دیگری پس-زمینه. لانگاکر (۲۰۰۸: ۳-۷۰) می‌گوید هنگامی که رابطه میان دو عنصر بازنمایانده می‌شود، آنها می‌توانند درجات گوناگونی از برجستگی داشته باشند. برجسته‌ترین عنصر که پیکر (TR) نامیده می‌شود، عنصری است که نسبت به دیگری موقعیت‌سنجی، ارزیابی یا توصیف می‌شود. عنصر دیگر که برجستگی کمتری دارد پهنه (LM) نامیده می‌شود؛ بنابراین در دو مثال پیش‌گفته «لیوان» و «دفتر» نقش پیکر دارند و «میز» و «کیف» نقش پهنه.

### ۳-۲- شبکه معنایی

شبکه معنایی یک روش گرافیکی برای نمایش مفاهیم است که در بردارنده مجموعه‌ای از گره‌ها و اتصال‌های میان آنهاست. این گره‌ها نمایانگر مفهوم‌ها و اتصال‌ها نشان‌دهنده رابطه میان این مفهوم‌ها هستند. پژوهشگران در پژوهش‌های شناختی، برای نشان دادن رابطه میان معناهای گوناگون یک واژه از شبکه معنایی (شبکه چندمعنایی) بهره می‌جویند. در شبکه معنایی، معنای اولیه در کانون قرار می‌گیرد و دیگر معناها مرتبط با واژه در گرداگرد این معنای اولیه و کانونی به صورت شعاعی<sup>۳</sup> به آن پیوند می‌خورند.

1. Trajector  
2. Landmark  
3. Radial

### ۳-۳- چندمعنایی سامان‌مند

یکی از مشکلاتی که همواره در سر راه شناسایی شبکه معنایی حروف اضافه وجود داشته است، این است که هر پژوهشگری در این زمینه رویکرد متفاوتی برای شناسایی معنای اولیه و معناهای مجزای حروف اضافه و سرانجام دستیابی به شبکه معنایی آنها در پیش گرفته است. تایلر و ایوانز (۲۰۰۷) می‌گویند که رویکردهای پیشین به چندمعنایی حروف اضافه، روش مشخص و محدودی برای بازشناسی معنای اولیه و معناهای مجزای حروف اضافه ندارند. از این رو الگوی چندمعنایی سامان‌مند را پیشنهاد دادند.

تایلر و ایوانز (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۳: ۵-۴۲) برای شناسایی مفهوم‌های مجزای یک حرف اضافه دو معیار را پیشنهاد می‌دهند: الف) مفاهیم مجزا باید دربردارنده معنایی افزون بر معناهای دیگر مفاهیم در پیوند با آن واحد واژگانی باشند. در مورد حروف اضافه، این مفهوم مجزا باید دارای معنای غیر فضایی باشد یا پیکربندی فضایی متفاوتی را میان LM و TR نشان دهد. ب) مفاهیم مجزا نباید از مفاهیم دیگر و یا از بافت برداشت شوند؛ یعنی وابسته به بافت نباشند.

تایلر و ایوانز (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۳: ۵۰-۴۷) برای شناسایی مفهوم اولیه یک حرف اضافه روش پیشنهادی خود را بر پایه‌ی دو گونه شواهد زبانی و تجربی ارائه داده‌اند. معیارهای متکی به شواهد زبانی برای شناسایی مفهوم پیش‌نمونه عبارت‌اند از:

الف) نخستین معنای تأییدشده: کهن‌ترین معنای یک حرف اضافه از دید تاریخی را می‌توان معنای اولیه آن دانست.

ب) برتری و چیرگی در شبکه معنایی: رد پای معنای اولیه یک حرف اضافه را می‌توان در بسیاری از دیگر معناهای مجزای آن یافت. برای نمونه، تایلر و ایوانز (۲۰۰۷) در بررسی چندمعنایی حرف اضافه over انگلیسی دریافتند که این حرف اضافه ۱۴ معنای مجزا دارد که در ۸ مورد از آنها عنصر پیکر در جایگاه بالای عنصر پهنه قرار می‌گیرد و نتیجه گرفتند که معنای «بالا» در شبکه معنایی over چیرگی و برتری دارد.

ج) کاربرد در ساخت‌های ترکیبی: هنگامی که یک حرف اضافه در ساخت‌های ترکیبی به کار می‌رود، مفهوم‌هایی از آن برداشت می‌شود. اگر مفهومی از یک حرف اضافه را نتوان در ساخت‌های ترکیبی یافت، نمی‌توان آن را مفهوم اولیه دانست.

د) ارتباط با دیگر عناصر مکانی: معمولاً حروف اضافه ابعاد فضا را به قسمت‌هایی تقسیم می‌کنند. برای نمونه، چهار حرف اضافه over, above, under, و below بُعد عمودی فضا

را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند و با هم یک مجموعهٔ تقابلی را می‌سازند. آن مفهومی از یک حرف اضافه که در ساخت مجموعهٔ تقابلی با دیگر حروف اضافه شرکت دارد می‌تواند یک گزینهٔ احتمالی برای مفهوم اولیه باشد.

ه) پیش‌بینی دستوری: گزینش مفهوم اولیه می‌تواند ما را به پیش‌بینی‌های دستوری آزمایش‌پذیر برساند؛ زیرا مفهوم اولیهٔ یک حرف اضافه در بافت‌های جمله‌ای ویژه می‌تواند معنای جدید بپذیرد و گسترش معنایی آن حرف اضافه را در پی داشته باشد. برای نمونه، در جملهٔ *The tablecloth is over the table* حرف اضافهٔ *over* دارای معنای اضافی «پوشاندگی» است که این معنا مربوط به خود حرف اضافه نیست بلکه حاصل بافت جمله است؛ بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که معنای اولیهٔ *over* می‌تواند «بالا» باشد که در این بافت خاص معنای «پوشاندگی» نیز به آن افزوده شده است.

#### ۴- معناکاوای دو حرف اضافه *læ* و *wæ*

در این بخش، معناهای گوناگون دو حرف اضافهٔ *læ* و *wæ* جداگانه بررسی و معنای اولیه و شبکهٔ معنایی آنها را شناسایی و ترسیم می‌شود.

##### ۴-۱- حرف اضافهٔ *læ*

به بیان ساده، حرف اضافهٔ *læ* در گورانی را می‌توان برابر «از» و «در» در فارسی دانست؛ اما شناخت درست این حرف اضافه نیازمند معناکاوای دقیق آن است. برای این منظور، نخست معناهای گوناگون *læ* همراه با مثال‌هایی ارائه و سپس بررسی می‌گردد.

##### ۴-۱-۱- معناهای مجزا

حرف اضافهٔ *læ* دارای معناهای گوناگونی است که در این بخش آنها را به همراه داده‌هایی ارائه و بررسی می‌کنیم.

##### ۱) آغاز و مبدأ

الف) آغاز یا مبدأ مکانی: یکی از کاربردهای حرف اضافهٔ *læ* بیان «آغاز و مبدأ مکانی» است. در این معنا، *læ* نشان‌دهندهٔ نقطهٔ آغاز یک حرکت، روند یا کار فیزیکی است:

1) *mən læ kerən tʃim æra kermaʃan*

کرمانشاه به رفتهم کرد از من

«من از کرد به کرمانشاه رفتهم.»

در جمله (۱)  $læ$  نشانگر نقطه آغاز یک حرکت است که در آن «من» نقش پیکر را دارد و «کردن» نقش پهنه را. (ب) آغاز یا مبدأ زمانی: بیان «آغاز و مبدأ زمانی» یکی دیگر از کاربردهای  $læ$  است:

2)  $m\acute{e}n\ læ\ f\acute{a}w\acute{a}k\acute{i}\ ta\ e:\ war\acute{a}\ kar\ kerd\acute{e}m\acute{a}.$

کرده‌ام کار غروب تا صبح از من  
«من از صبح تا غروب کار کرده‌ام.»

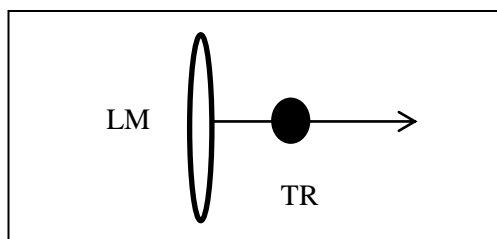
در جمله (۲) حرف اضافه  $læ$  نقطه زمانی آغاز یک رویداد یا روند را نشان می‌دهد. این مفهوم  $læ$  پیامد گسترش معنایی این حرف اضافه و به کارگیری آن در حوزه انتزاعی زمان است. در این جمله، عمل «کار کردن» نقش پیکر و «صبح» نقش پهنه را دارد. (ج) آغاز یا مبدأ هر چیز: افزون بر آغاز مکان یا زمان،  $læ$  می‌تواند برای بیان نقطه آغاز، مبدأ و سرچشمه هر چیزی به کار رود و این نشانه گسترش معنایی این حرف اضافه در حوزه‌های دیگر است.

3)  $i\ qes\acute{a}\ læ\ hom\acute{e}d\ z\acute{e}n\acute{a}ft\acute{e}m.$

شنیدم حامد از حرف این  
«این حرف را از حامد شنیدم.»

در جمله (۳) «منشأ و سرچشمه» سخن و حرفی که شنیده شده، «حامد» بوده است. به سخن دیگر، «حامد» آغاز و خاستگاه این موضوع بوده است و از این رو، «حرف» دارای نقش پیکر و «حامد» دارای نقش پهنه است.

سه معنایی که تاکنون برای  $læ$  برشمردیم، نشانگر پیکربندی فضایی میان پیکر (TR) و پهنه (LM) است به گونه‌ای که پیکر از پهنه آغاز می‌شود و از آن سرچشمه می‌گیرد. به دیگر سخن، پهنه آغازگاه و خاستگاه پیکر است. شکل (۱) این پیکربندی فضایی میان TR و LM را نشان می‌دهد:



شکل (۱). پیکربندی فضایی معنای «آغاز و منشأ» حرف اضافه  $læ$

۲) جنس و ماده سازنده: حرف اضافه lǣ گاهی برای اشاره به جنس و ماده سازنده یک چیز به کار می‌رود:

4) i sændæli-ǣ lǣ tʃu doros bijǣ.

شده درست چوب از صندلی این

«این صندلی از چوب ساخته شده.»

5) pǣne:r lǣ fir doros bu.

می‌شود درست شیر از پنیر

«پنیر از شیر درست می‌شود (به دست می‌آید).»

در دو جمله بالا lǣ اشاره به جنس «صندلی» (چوب) و ماده سازنده «پنیر» (شیر) دارد. این معنای lǣ با معنای پیشین که «مبدأ و سرچشمه» است، پیوند دارد زیرا جنس یک چیز یا ماده سازنده آن به گونه‌ای منشأ و سرچشمه آن به شمار می‌آید.

۳) مقایسه و سنجش: «مقایسه و سنجش» میان دو کس یا دو چیز از دیگر کاربردهای حرف اضافه lǣ است:

6) men lǣ tʃ gæwraṭer-em.

ام- بزرگ‌تر تو از من

«من از تو بزرگ‌ترم.»

در جمله (۶) «من» و «تو» با هم سنجیده شده‌اند. حرف اضافه lǣ در این دو جمله را می‌توان با «در مقایسه با نسبت به» جایگزین کرد.

۴) درباره؛ پیرامون؛ راجع به: در دو جمله زیر، حرف اضافه lǣ مفهوم «درباره»، در مورد، راجع به» را می‌رساند:

7) lǣ dǣwra-ε qædim æra-man byʃ.

بگو مان-برای قدیم ی-دوره از

«درباره (از) دوره قدیم برایمان بگو.»

آشکار است که به جای lǣ در جمله (۷) می‌توان «درباره یا در مورد» را به کار برد.

۵) آفریننده و خالق اثر: گاهی حرف اضافه lǣ می‌تواند به «آفریننده و خالق یک اثر» اشاره داشته باشد. در جمله زیر این مفهوم را می‌توان دید:

8) i fe:r-ǣ lǣ ferdæwsi-ǣ.

است-فردوسی از شعر این

«این شعر از فردوسی است.»



در (۸) *læ* به آفریننده شعر که «فردوسی» است اشاره دارد. این مفهوم *læ*، با معنای «آغاز و مبدأ» که پیشتر آن را بررسی کردیم، پیوندی نزدیک دارد؛ زیرا آفریننده یک اثر، مبدأ و منشأ و سرچشمه آن اثر است.

(۶) دربرگرفتنگی (مشمول بودن): یکی دیگر از معناهای *læ* «دربرگرفتنگی و مشمولیت» است. در جمله‌های زیر حرف اضافه *læ* را می‌توان به‌آسانی با «از جمله، جزء یا در زمره» جایگزین ساخت:

9) *hamed læ fagerd-æjl zereŋ ketas-æ.*

است-کلاس زرنگ ها-شاگرد از حامد

«حامد از شاگردهای زرنگ کلاسه.»

در جمله (۹) به شمول «حامد» در زمره «شاگردهای زرنگ کلاس» اشاره شده است.

(۷) دربرگیرندگی (شامل بودن): افزون بر مفهوم «دربرگرفتنگی»، حرف اضافه *læ* می‌تواند برای بیان مفهوم «دربرگیرندگی» نیز به کار رود:

10) *geft-jan hatyn, læ kor u dyjæt u menot u gæwræ u ...*

و بزرگ و بچه و دختر و پسر از آمده بودند شان-همه

«همه‌شان آمده بودند، از پسر و دختر و کوچک و بزرگ و ...»

در جمله (۱۰) به کمک حرف اضافه *læ* اعضای یک مجموعه یا گروه برشمرده شده‌اند.

(۸) از راه؛ از طریق؛ توسط: گاهی *læ* به معنای «از راه، از طریق» به کار می‌رود.

11) *læ kargæri xærdz xwæi dær te:re.*

میاره در خودش خرج کارگری از

«از راه کارگری خرج خودشو درمیاره.»

حرف اضافه *læ* در جمله (۱۱) را می‌توان با «از راه، از طریق یا توسط» جایگزین کرد.

این مفهوم *læ* با مفهوم «مبدأ و آغاز» که پیشتر به بررسی آن پرداختیم، ارتباط دارد.

در این جمله به مبدأ و منشأ «درآمد» یعنی «کارگری» اشاره شده است.

(۹) از جهت؛ از لحاظ: در برخی کاربردها، حرف اضافه *læ* مفهوم «از جهت، از لحاظ، از

نظر» را می‌رساند؛ مانند نمونه زیر:

12) *læ qæfæŋi kæs jur æw nijæ.*

نیست او مانند کسی زیبایی از

«از لحاظ زیبایی کسی مانند او نیست.»

در نمونه (۱۲) *læ* به وجه تمایز «او» با دیگران که همان «زیبایی» است، اشاره دارد. این مفهوم *læ* با مفهوم «مبدأ و سرچشمه» که پیشتر بررسی گردید، پیوند نزدیک دارد زیرا به منشأ و سرچشمه تمایز کسی یا چیزی از دیگر همتایان آن اشاره دارد. (۱۰) دلیل؛ علت: بیان «دلیل، علت و سبب» یکی دیگر از معنای *læ* است:

13) *læ xæm u xosæ sæktæ kerd.*

کرد سکتە غصه و غم از

«از غم و غصه سکتە کرد.»

در جمله (۱۳) علت «سکتە کردن» بیان شده که ناشی از «غم و غصه» بوده است. پیوند میان این معنای *læ* با معنای «مبدأ و سرچشمه» روشن است چراکه علت و دلیل یک رویداد، منشأ و سرچشمه آن رویداد به شمار می‌آید.

(۱۱) تشخیص و تمایز: بیان «تشخیص و تمایز» یکی دیگر از کاربردهای *læ* است:

14) *xos læ gæn tæ[xis nojæi.*

نمی‌دهی تشخیص بد از خوب

«خوب را از بد تشخیص نمی‌دهی.»

در جمله (۱۴) «تشخیص خوب از بد» و تمایز میان آنها مورد اشاره است. در این کاربرد، این مفهوم رسانده می‌شود که عنصری که پیش از *læ* می‌آید (TR) با عنصر پس از حرف اضافه (LM) دارای تفاوت و تمایز است.

(۱۲) نقطه مکانی ایستا: اشاره به «نقطه مکانی ثابت و ایستا» از دیگر معنای *læ* است:

15) *hatem-æ dær mat-tan, læ mat næwit.*

نبودی خانه در تان-خانه در به-آمدم

«آمدم در خانه تان، (در) خانه نبود.»

در جمله (۱۵) «*læ mat*» اشاره به مکان ویژه‌ای (خانه) دارد.

(۱۳) بازه زمانی؛ طول زمان: حرف اضافه *læ* گاهی نشان‌دهنده یک «بازه زمانی» می‌تواند باشد:

16) *læ jæ manj tæmam-ε kæm.*

می‌کنم اش-تمام ماه یک در

«یک‌ماهه تمامش می‌کنم»

در (۱۶) به «بازه زمانی یک‌ماهه» اشاره شده است. در این جمله *læ* نمایانگر طول زمانی است که یک رویداد، کار یا روند انجام می‌شود.

۱۴) حالت و وضعیت: «حالت و وضعیت» یک کس یا چیز را می‌توان به کمک حرف اضافه *læ* بیان کرد:

17) *geft-jan læ hætpærija bin.*

بودند پایکوبی در شان-همه

«همه‌شان در حال رقص و پایکوبی بودند.»

در جمله (۱۷) می‌توان حرف اضافه *læ* را با «در حال» جایگزین کرد زیرا در این جمله *læ* بیانگر «حالت و وضعیت» است.

۱۵) محدوده: از دیگر معناهای حرف اضافه *læ* بیان «محدوده مکانی یا زمانی» است. الف) محدوده مکانی: در جمله زیر حرف اضافه *læ* یک «محدوده مکانی» را نشان می‌دهد:

18) *læ for xæwære nijæ.*

نیست خبری شهر در

«در شهر خبری نیست.»

در (۱۸) *læ* بیانگر یک محدوده مکانی فیزیکی است، یعنی «شهر». گسترش معنایی سبب می‌شود تا بتوانیم این حرف اضافه را برای بیان «محدوده زمانی» نیز به کار ببریم. ب) محدوده زمانی

19) *læ zemsan kar nijæ.*

نیست کار زمستان در

«(در) زمستان کار نیست.»

در (۱۹) *læ* به محدوده زمانی «زمستان» اشاره دارد.

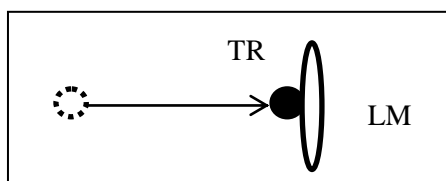
۱۶) تماس و برخورد: معنای «تماس و برخورد» یکی دیگر از معناهایی است که از حرف اضافه *læ* برداشت می‌شود؛ مانند:

20) *pa-m da læ miz-ækæ.*

معرفه-میز در زد م-پا

«پایم خورد به میز.»

در این مفهوم، TR با LM در تماس و برخورد قرار می‌گیرد. در جمله (۲۰) برخورد «پا» به «میز» مورد اشاره است. نمای فضایی این معنای *læ* را می‌توان به شکل زیر نشان داد:



شکل (۲). نمای فضایی مفهوم «برخورد و تماس» حرف اضافه *læ*

شکل (۲) نشان می‌دهد که ابتدا TR از LM دور بوده است، سپس حرکت کرده و با آن در تماس یا برخورد قرار گرفته است. (۱۷) مسئولیت؛ بر عهده داشتن: گاهی حرف اضافه læ برای بیان «مسئولیت و بر عهده داشتن» چیزی یا کاری به کار می‌رود:

21) pyl læ tø, kor læ men.

من از کار تو از پول

«پول از تو، کار از من.»

از جمله (۲۱) این مفهوم برداشت می‌شود که «مسئولیت آوردن پول با تو است و مسئولیت کارکردن با من». این مفهوم læ را می‌توان با مفهوم «مبدأ و منشأ» که پیشتر به آن پرداختیم، در پیوند دانست زیرا هنگامی که کسی مسئولیت چیزی یا کاری را بر عهده می‌گیرد، گویی مبدأ و سرچشمه آن چیز یا کار دانسته می‌شود.

تا اینجا ۱۷ معنا برای حرف اضافه læ برشمردیم اما همگی آنها را نمی‌توان معنای مجزا به شمار آورد. سه معنای نخست، یعنی «آغاز یا مبدأ مکانی»، «آغاز یا مبدأ زمانی» و «آغاز یا مبدأ هر چیز»، هر سه پیکربندی یکسانی را میان TR و LM نشان می‌دهند همانند آنچه در شکل (۱) آمده است. از این رو، سه معنای نام‌برده را باید یک معنا به شمار آورد. در میان معناهای مجزای یک حرف‌اضافه آنهایی که با یکدیگر پیوند و ارتباط نزدیک‌تری دارند در یک خوشه معنایی قرار می‌گیرند. هفت معنای «جنس و ماده سازنده»، «درباره، پیرامون»، «آفریننده و خالق اثر»، «از راه»، «از جهت»، «دلیل و علت» و «مسئولیت» دارای ارتباط بسیار نزدیکی با هم هستند و چنین می‌نماید که همگی حاصل گسترش استعاری معنای پیش‌نمونه می‌باشند. چگونگی ارتباط این معناها با معنای «آغاز، مبدأ و منشأ» را در لابلای بررسی هر یک از آنها شرح دادیم. بر این پایه، هفت معنای پیش‌گفته را در یک خوشه معنایی با نام «خوشه استعاری» قرار می‌دهیم.

خوشه معنایی دیگری که می‌توان برای حرف اضافه læ در نظر گرفت، «خوشه سنجش» است که دو معنای «مقایسه» و «تشخیص و تمایز» را در خود جای می‌دهد. هم در مقایسه میان دو چیز با همدیگر و هم در تشخیص و تمایز میان آن دو از همدیگر، نوعی سنجش میان آنها انجام می‌گیرد؛ یعنی باید آن دو چیز را با هم سنجید تا بتوان با هم مقایسه کرد یا از هم تشخیص و تمییز داد. در نتیجه، ما این دو معنا را در یک خوشه معنایی قرار داده‌ایم تا پیوند آنها با یکدیگر نمایان‌تر و برجسته‌تر باشد. دو معنای

«درب‌گیرندگی» و «درب‌گرفتگی» نیز هر دو مفهوم شمول را می‌رسانند که یکی از آنها به شامل یا درب‌گیرنده و دیگری به مشمول یا درب‌گرفته اشاره دارد. از این رو، دو معنای «درب‌گیرندگی» و «درب‌گرفتگی» را در یک خوشه معنایی با نام «خوشه شمول» قرار می‌دهیم.

افزون بر سه خوشه معنایی نام‌برده، حرف اضافه Iæ دارای چند معنای دیگر نیز هست که به بررسی آنها می‌پردازیم. سه معنای «بازه زمان»، «محدوده مکانی» و «محدوده زمانی» که برای حرف اضافه Iæ برشمردیم، هر سه یک معنا را می‌رسانند زیرا هر سه با محدوده، فاصله و بازه اشاره دارند که می‌تواند مکانی یا زمانی باشد. در معناشناسی شناختی، ورود مفهوم‌ها از حوزه مکان به حوزه زمان پیامد گسترش استعاری آنها دانسته می‌شود و از این رو معناهای مکانی و زمانی را می‌توان در اصل یک معنا در نظر گرفت. ما نیز سه معنای نام‌برده را نشانگر یک مفهوم می‌دانیم و آن را با برچسب «بازه مکانی و زمانی» در شبکه معنایی نشان می‌دهیم. افزون بر معنای «بازه مکانی و زمانی» دو معنای دیگر، یعنی «حالت و وضعیت» و «تماس و برخورد» را برخاسته از معنای «نقطه مکانی و زمانی» می‌دانیم و آن را معنای اولیه برای سه معنای پیش‌گفته در نظر می‌گیریم. ارتباط میان این معناها را می‌توان این گونه تبیین کرد؛ قرار داشتن چیزی یا کسی در یک محدوده مکانی یا زمانی می‌تواند گسترش‌یافته این معنا باشد که آن چیز در یک نقطه مکانی یا زمانی قرار گرفته است یعنی نقطه به محدوده نگاشت<sup>۱</sup> داده شده است. قرار داشتن چیزی یا کسی در یک وضعیت و حالت نیز می‌تواند نمایانگر نگاشتی باشد از حوزه فیزیکی به حوزه انتزاعی. به سخن دیگر، هنگامی که کسی یا چیزی در وضعیت و حالتی است گویی در نقطه‌ای است و این نگاشت از حوزه فیزیکی به حوزه انتزاعی در اثر کاربرد استعاری مفهوم‌ها پدید می‌آید. ارتباط مفهوم «تماس و برخورد» با مفهوم «نقطه مکانی و زمانی» نیز این گونه تبیین می‌شود که هنگامی که چیزی با چیز دیگر در تماس قرار می‌گیرد یا برخورد می‌کند، نقطه تماس و برخورد میان آن دو را می‌توان به‌عنوان مرجعی برای اشاره به آن دو یا توصیف آن دو به کار گرفت؛ برای نمونه می‌توان گفت «عکسی که روی دیواره...»، «ماشینی که چسبیده به کامیونه...» یا «سیمی که از سقف آویزان...». در این سه نمونه از نحوه تماس و برخورد «عکس»، «ماشین» و «سیم» با «دیوار»، «کامیون» و «سقف» برای اشاره به آنها استفاده شده

<sup>۱</sup> .mapping

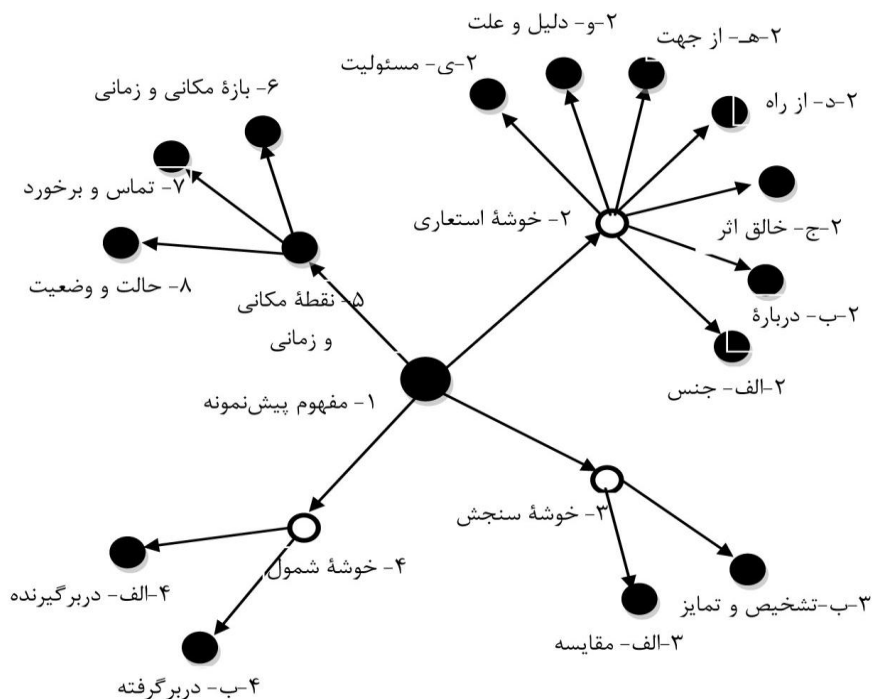
است. از این روست که ما معنای «برخورد و تماس» را برخاسته از معنای «نقطه مکانی» می‌دانیم و آنها را در شبکه معنایی به هم پیوند می‌زنیم.

#### ۴-۱-۲- معنای اولیه

در بررسی معناهای گوناگون حرف اضافه læ اشاره‌هایی هم به ارتباط برخی از معناهای این حرف اضافه با مفهوم «آغاز، مبدأ و منشأ» داشتیم. همان‌گونه که پیشتر نیز گفتیم، یکی از معیارهای شناسایی معنایی اولیه در الگوی چندمعنایی سامان‌مند، «برتری و چیرگی در شبکه معنایی» است. به سخن دیگر، باید بتوان رد پای معنای اولیه را در بیشتر معناهای مجزای یک حرف اضافه یافت. با توجه به این معیار، معنای «آغاز و منشأ» را می‌توان معنای اولیه و پیش نمونه حرف اضافه læ دانست زیرا در شبکه معنایی چیرگی دارد. یک معیار دیگر که نشان می‌دهد «آغاز و منشأ» معنای اولیه læ است، این است که این حرف اضافه از دید معنایی در تقابل با حرف اضافه ta (یکی دیگر از حروف اضافه مکانی در گورانی) قرار می‌گیرد. از آنجا که ta مفهوم «پایان و مقصد» را می‌رساند، چنانچه معنای اولیه læ را «آغاز و مبدأ» بدانیم قادر خواهیم بود تقابل میان این دو حرف اضافه را به‌سادگی تبیین کنیم.

#### ۴-۱-۳- شبکه معنایی

بر پایه آنچه تاکنون درباره حرف اضافه læ گفتیم، معنای اولیه این حرف اضافه «آغاز و مبدأ مکان، زمان یا امر» است و باید آن را در کانون شبکه معنایی قرار دهیم. این حرف اضافه دارای سه خوشه معنایی است که عبارت‌اند از: خوشه استعاری، خوشه سنجش و خوشه شمول. افزون بر این‌ها، حرف اضافه læ دارای چهار معنای مجزای دیگر است که یکی از آنها که معنای «نقطه مکانی و زمانی» است، در نقش معنای پیش‌نمونه برای سه معنای «بازه مکانی و زمانی»، «تماس و برخورد» و «حالت و وضعیت» ظاهر می‌شود. شبکه معنایی حرف اضافه læ در شکل (۳) رسم شده است.



شکل (۳). شبکه معنایی حرف اضافه  $læ$

#### ۲-۴- حرف اضافه $wæ$

دومین حرف اضافه‌ای که به بررسی معنایی آن می‌پردازیم، حرف اضافه  $wæ$  است. این حرف اضافه کاربردها و معنای گوناگون دارد اما معنای آن به اندازه حرف اضافه پیشین که بررسی کردیم، یعنی  $læ$ ، پرشمار نیست. در این بخش معنای مجزا و سپس معنای اولیه  $wæ$  را شناسایی و واکاوی می‌کنیم. در پایان نیز شبکه معنایی آن را رسم می‌کنیم.

#### ۲-۴-۱- معنای مجزا

معنایی که حرف اضافه  $wæ$  در کاربردهای گوناگون از خود نشان می‌دهد در بخش زیر آمده است.

(۱) وسیله و ابزار: حرف اضافه  $wæ$  گاهی برای اشاره به «ابزار و وسیله» انجام کار یا رویداد به کار می‌رود:

22) wæ kotʃek ʃɪʃæ-kæ ʃekənɛn.

شکستند معرفه-شیشه سنگ با

«با سنگ شیشه را شکستند.»

در (۲۲) wæ به «سنگ» اشاره دارد که ابزار «شکستن شیشه» بوده است. در این جمله می‌توان حرف اضافه wæ را با «به‌وسیله یا توسط» جایگزین کرد.

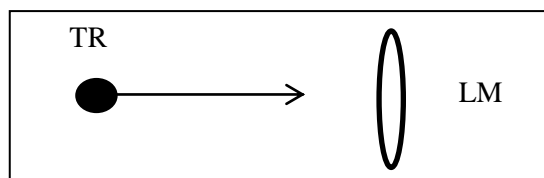
(۲) گیرنده و مقصد: حرف اضافه wæ می‌تواند نشانگر «گیرنده و مقصد» باشد:

23) jaizæ-kæ wæ ki dən?

دادند کی به معرفه-جایزه

«جایزه را به کی دادند؟»

در جمله (۲۳) wæ به «گیرنده جایزه» اشاره دارد. نمای فضایی که این مفهوم wæ («گیرنده و مقصد») میان TR و LM نشان می‌دهد در شکل زیر آمده است:



شکل (۴). نمای مفهوم «گیرنده و مقصد» حرف اضافه wæ

همان‌گونه که در شکل (۴) نمایان است، TR به سوی LM حرکت می‌کند و LM گیرنده و مقصد TR به شمار می‌آید.

(۳) سوگند: یکی دیگر از کاربردهای حرف اضافه wæ «بیان سوگند» است:

24) wæ xuwa mən i koræ nækerdɛmæ.

نکرده‌ام کار این من خدا به

«به خدا (سوگند) من این کار را نکرده‌ام.»

در جمله (۲۴) گوینده «خدا را سوگند خورده» که این کار را نکرده است.

(۴) هنگام، زمان: wæ می‌تواند برای اشاره به یک «زمان و هنگام» خاص به کار رود:

25) wæ gærma mætʃu-æ dæift.

بیرون به-نرو گرما هنگام

«هنگام گرما نرو بیرون.»

در جمله (۲۵) wæ به زمان یا محدوده زمانی که هوا گرم است اشاره دارد.



۵) چگونگی و حالت: یک معنای دیگر برای حرف اضافه wæ «بیان چگونگی و حالت» است که در جمله زیر می‌توان آن را دید:

26) wæ ton hat-æ ban.

بالا به-آمد تند با

«به‌تندی آمد بالا.»

در جمله (۲۶) چگونگی و حالت انجام فعل یعنی «بالا آمدن» بیان شده است. پنج معنایی که برای حرف اضافه wæ برشمردیم همگی دارای معنای اضافی نسبت به دیگر معنایی این حرف اضافه هستند که این معنای اضافی وابسته به بافت نیست. از این رو، بر پایه معیارهای مطرح‌شده در الگوی چندمعنایی سامان‌مند، همه پنج معنای پیش‌گفته را باید معنای متمایز برای حرف اضافه wæ دانست.

#### ۴-۲-۲- معنای اولیه

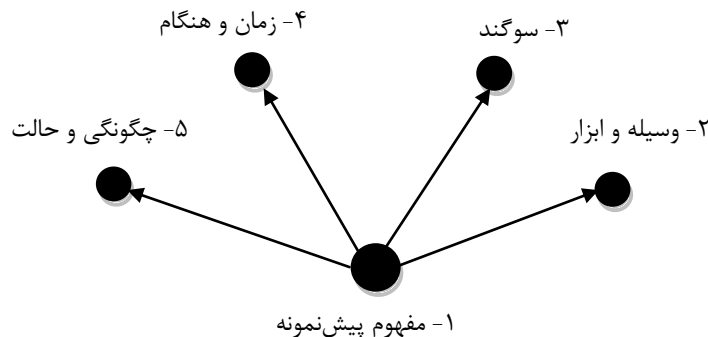
از میان پنج معنای مجزایی که برای حرف اضافه wæ یافتیم و بررسی کردیم، «گیرنده و مقصد» معنای اولیه و پیش‌نمونه به شمار می‌آید زیرا در شبکه معنایی چیرگی دارد و دیگر معنای این حرف اضافه را می‌توان حاصل گسترش معنایی آن دانست. همان‌گونه در شکل (۴) از پیکربندی فضایی میان TR و LM می‌توان دریافت، هنگامی که TR به سوی LM می‌رود به آن می‌پیوندد و گویی هر دو در کنار هم قرار می‌گیرند و مفهوم «به‌هم‌پیوستگی و با هم بودن» از آن فهمیده می‌شود. این مفهوم «با هم بودن» را می‌توان در معنای «ابزار و وسیله»، «زمان و هنگام» و «چگونگی و حالت» نیز مشاهده کرد. هنگامی که ما از ابزاری برای انجام کاری استفاده می‌کنیم، گویی آن ابزار همراه ما و در کنار ماست برای رسیدن به هدفی خاص که همان انجام کار دلخواه است؛ هنگامی که زمان خاصی فرامی‌رسد (برای نمونه شب می‌شود یا روز می‌شود) گویی زمان که یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است با آن وضعیت پیرامونی که ما آن را مثلاً شب یا روز می‌نامیم، همراه شده‌اند؛ هنگامی که چیزی حالت و وضعیت خاصی دارد، گویی آن وضعیت و حالت مانند یک چیز فیزیکی همراه آن است. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم «رضا خوشحال است» گویی «خوشحالی و شادی» مانند یک چیز فیزیکی همراه «رضا» است و او از آن برخوردار است و دارای آن است.

با نگاه به آنچه که پیرامون ارتباط سه معنای «ابزار و وسیله»، «زمان و هنگام» و «چگونگی و حالت» با معنای «گیرنده و مقصد» گفتیم، بر پایه معیار «چیرگی و برتری

در شبکه معنایی « به این نتیجه می‌رسیم که معنای اولیه حرف اضافه wæ «گیرنده و مقصد» است.

#### ۴-۲-۳- شبکه معنایی

دریافتیم که حرف اضافه wæ دارای پنج معنای مجزاست که معنای «گیرنده و مقصد» به عنوان معنای پیش‌نمونه و اولیه آن شناخته می‌شود و چهار معنای مجزای دیگر به صورت شعاعی به معنای اولیه پیوند می‌خورند. شکل (۵) شبکه معنایی wæ را نشان می‌دهد.



شکل (۵). شبکه معنایی حرف اضافه wæ

#### ۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی چندمعنایی دو حرف اضافه læ و wæ در کردی گورانی بر اساس الگوی چندمعنایی سامان‌مند (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) پرداختیم. دریافتیم که معنای اولیه حرف اضافه læ «آغاز و مبدأ مکان، زمان یا امر» است و این حرف اضافه دارای سه خوشه معنایی است که عبارت‌اند از: خوشه استعاری، خوشه سنجش و خوشه شمول. افزون بر این‌ها، حرف اضافه læ دارای چهار معنای مجزای دیگر است که یکی از آنها که معنای «نقطه مکانی و زمانی» است، در نقش معنای پیش‌نمونه برای سه معنای «بازه مکانی و زمانی»، «تماس و برخورد» و «حالت و وضعیت» ظاهر می‌شود.

در بررسی حرف اضافه wæ نیز دریافتیم که این حرف اضافه دارای پنج معنای مجزاست که معنای «گیرنده و مقصد» به عنوان معنای پیش‌نمونه و اولیه آن شناخته

می‌شود. چهار معنای مجزای دیگر عبارت‌اند از «وسيله و ابزار»، «سوگند»، «زمان و هنگام» و «چگونگی و حالت» که به صورت شعاعی به معنای اولیه پیوند می‌خورند. دیگر یافته‌ای که از پژوهش به دست آمد گویای آن است که معیارهای مطرح‌شده در الگوی چندمعنایی سامان‌مند از کارایی بالایی برخوردارند و به‌خوبی امکان شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم مجزا و سپس بازشناسی مفهوم اولیه حروف‌اضافه را فراهم می‌کنند.

### منابع

- بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (۱۳۹۳). چندمعنایی حرف «تا» در چارچوب معناشناسی شناختی. مجموعه مقالات نخستین همایش معنی‌شناسی و نحو زبان‌های ایرانی، به کوشش مینا رضوانیان، صص ۹۲-۷۵.
- راسخ‌مهند، محمد و نفیسه رنجبر ضرابی (۱۳۹۲). بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۳، ش ۵، صص ۹۵-۱۱۱.
- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زبارتی (۱۳۹۰). شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی. تازه‌های علوم شناختی. س ۱۳، ش ۱، صص ۸۰-۶۷.
- سراجیان اردستانی، مهدخت (۱۳۸۹). بررسی چندمعنایی حرف اضافه «از» در قالب نظریه معنی‌شناسی شناختی. پازند. ش ۲۳، صص ۶۳-۴۵.
- گلفام، ارسلان، مصطفی عاصی، فردوس آقاگل‌زاده و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۸). بررسی حرف اضافه «از» در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی. زبان و زبان‌شناسی. ش ۲، پیاپی ۱۰، صص ۸۰-۶۹.
- مختاری، شهره و حدائق رضایی (۱۳۹۲). بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ش ۹، صص ۹۴-۷۳.
- Evans, V. 2004. *The Structure of Time: Language, Meaning and Temporal Cognition*. Amsterdam: John Benjamins.
- Evans, V. 2005. "The meaning of time: Polysemy, the lexicon and conceptual structure". *Journal of Linguistics*, 41: 33-75.
- Evans, V. 2006. *The Structure of Time*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
- Evans, V. and A. Tyler. 2004a. "Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through". *Belgian Journal of Linguistics*, 18: 247-270.
- Evans, V. and A. Tyler. 2004b. "Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in". In G. Radden and K. Panther (eds.), *Studies in Linguistic Motivation* (Pp. 157-192). Berlin: Mouton de Gruyter,
- Evans, V. and M. Green. 2006. *An introduction to cognitive linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

- Langacker, R. W. 2008. *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- MacKenzie, D. N. 1961, 1962. *Kurdish Dialect Studies (2 vols.)*. London: Oxford University Press.
- Tyler, A. and V. Evans. 2007. "Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over". In V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), *The Cognitive Linguistics Reader* (Pp. 186-238). London: Equinox.
- Tyler, A. and V. Evans. 2003. *The semantics of English prepositions: Spatial scenes, embodied meaning and cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.